

## عوامل موثر بر تحرک اجتماعی در میان نخبگان اقتصادی در سه دهه‌ی گذشته

الهه سادات بدری<sup>۱</sup> خلیل میرزایی<sup>۲</sup> افسانه وارسته فر<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۵

تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۰۳/۱۰

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف تعیین روند تحرک اجتماعی در میان نخبه‌گان اقتصادی در سه دهه‌ی گذشته انجام پذیرفت. روش این پژوهش از نوع توصیفی است. جامعه آماری این پژوهش نخبه‌گان اقتصادی شهر تهران (در حدود ۱۰۰ هزار نفر) هستند که بر اساس جدول مورگان حجم نمونه ۳۸۴ نفر بر اساس نمونه‌گیری تصادفی نظام‌مند انتخاب شد بدین صورت که از هر ۲۶۰ نفر یک نفر انتخاب و به پرسشنامه پاسخ دادند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه پژوهشگر ساخته استفاده شده است که اعتبار آن از طریق اعتبار محتوا، اعتبار سازه و پایایی ابزار از طریق روش آلفای کرونباخ مشخص شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون تحلیل واریانس یک سویه و تحلیل مسیر استفاده شده است. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که تحرک اجتماعی در سه دهه‌ی ۷۰-۸۰-۹۰ از نظر تحرک عمودی، افقی و جغرافیایی متفاوت است مشخص گردید که تحرک افقی و تحرک جغرافیایی در سه دهه‌ی ۷۰، ۸۰ و ۹۰ تفاوت معناداری دارند. همچنین، نتایج نشان داد که که نخبگان اقتصادی بیشترین تحرک اجتماعی را در دهه‌ی ۹۰ داشته‌اند و کمترین تحرک را در دهه‌ی ۸۰. همچنین، نخبه‌گان اقتصادی در دهه‌ی ۹۰ تمایلی به تحرک جغرافیایی نداشته‌اند زیرا ۹۷.۹ درصد از نخبه‌گان اقتصادی اعلام کرده‌اند که تمایلی به خروج از کشور ندارند. همچنین بر اساس نتایج نیز مشاهده شد که افراد تمایل به تحرک افقی دارند. در تحلیل مسیر نیز مشخص گردید که عامل خانواده با مجموع اثر مستقیم و غیر مستقیم ۰.۲۹۱ در اولویت اول، دانش اقتصادی با اثر مستقیم و غیر مستقیم ۰.۲۵۴ در اولویت دوم، رسانه با اثر مستقیم و غیر مستقیم معکوس ۰.۱۶۴- در اولویت سوم، هوش اجتماعی با اثر مستقیم و غیر مستقیم ۰.۱۶۳ در اولویت چهارم، نگرش جنسیتی با اثر مستقیم و غیر مستقیم معکوس ۰.۱۵۳- در اولویت پنجم، ارتباطات کلامی با اثر مستقیم و غیر مستقیم معکوس ۰.۰۹۸- در اولویت ششم، خلاقیت با اثر مستقیم و غیر مستقیم ۰.۰۹۰ در اولویت هفتم و سیاست با اثر مستقیم و غیر مستقیم معکوس ۰.۰۷۷- در اولویت هشتم قرار گرفته‌اند.

کلمات کلیدی: تحرک اجتماعی، نخبه‌گان اقتصادی، سه دهه‌ی گذشته

<sup>۱</sup> گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

<sup>۲</sup> گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

[Mirzaeei.khalil@riau.ac.ir](mailto:Mirzaeei.khalil@riau.ac.ir)

<sup>۳</sup> گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن، تهران، ایران

## مقدمه

در تبیین تحرک اجتماعی رویکردهای مختلفی مطرح شده است. برخی، ساختارهای اجتماعی را مسبب میزان تحرک اجتماعی در جامعه معرفی کرده‌اند و امکان یا امتناع آن را به ساختارهای اقتصادی، سیاسی نسبت داده‌اند. دیدگاه‌های مارکسیست‌های اقتصادی، مارکسیست‌های ساختارگرا و نظریه‌پردازان انتقادی در این گروه قرار می‌گیرد. برخی نیز بر ارزش‌ها و نگرش‌های فرهنگی، عادات و مهارت‌های فردی و اکتسابی تاکید کرده و علت اصلی تحرک اجتماعی نازل در بین برخی از افراد جامعه را ضعف یا فقدان ارزش‌ها و هنجارهای توسعه بخش و مشوق کار، تلاش، پیشرفت و کارآفرینی در بین آنها معرفی کرده‌اند (لرنر، ۱۳۸۳).

در صورت بندی و ترویج تحرک و عدم تحرک اجتماعی، نظریات دو تن از صاحب نظران کلاسیک جامعه شناسی؛ کارل مارکس و ماکس وبر نقش بارز داشته است. در حالی که مارکس بر ابعاد ساختاری، ماتریالیستی و اقتصادی در تبیین تغییر و تحولات اجتماعی، از جمله شکل گیری نابرابری‌های اجتماعی، تحرک یا عدم تحرک اجتماعی افراد و طبقات و در سطحی دیگر پیشرفت یا محرومیت جوامع تاکید داشت، وبر بر نقش عامل فرهنگ، ارزش‌ها، مذهب بر پیشرفت و توسعه سرمایه‌داری در غرب پای می‌فشرد و مبنایی را برای تحلیل نابرابری‌های اجتماعی از رهگذر نگرش‌ها و باورهای اجتماعی فراهم کرد (وبر، ۱۳۹۲).

سوروکین نیز تحرک اجتماعی را جابه‌جا شدن فرد در درون فضای اجتماعی تعریف کرده است. وی میان قشربندی‌های اقتصادی، شغلی، و سیاسی تفاوت می‌گذاشت و چنین استدلال می‌کرد که همبستگی متقابل میان سه شکل از قشربندی کامل نیست (سوروکین، ۱۹۶۴). وی از دو نوع تحرک اجتماعی نام می‌برد: تحرک افقی و تحرک عمودی. تحرک افقی عبارت است از جابه‌جایی شخص یا یک گروه از یک موقعیت به موقعیت دیگر که از آن جمله می‌توان به مهاجرت، تغییرات شغلی، عضویت در گروه‌ها و سازمان‌ها اشاره کرد. تحرک عمودی عبارت است از جابه‌جا شدن از یک قشر اجتماعی دیگر و ترقی یا تنزل در یک ساختار رتبه بندی شده‌ی اجتماعی. اساس تاکید سوروکین بر تحرک عمودی و قشربندی اجتماعی است. وی معتقد است که در هر نظام اجتماعی، حتی در سخت‌ترین آنها، امکاناتی برای پیشرفت در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، یا شغلی وجود دارد و همچنین، در نظام‌های اجتماعی باز هم، تحرک اجتماعی و تحرک شغلی با موانعی مواجه است (نیک گهر، ۱۳۸۷). تحرک در میان نخبگان از اهمیت زیادی برخوردار است و کمبود یا نبود آن جامعه را رو به افول ایده‌ها و گرایش‌ها، کاهش کارآمدی و تاخیر در رشد اقتصادی می‌کشد.

برای هر فعالیت در زندگی اجتماعی، نخبه‌ای وجود دارد. نخبه‌های علمی، اقتصادی، سیاسی، مذهبی، نظامی، بانکی، حقوقی و غیره (انصاری، ۱۳۸۰). نخبه به فرد برجسته و کارآمدی اطلاق می‌شود که اثرگذاری وی در تولید علم، هنر و فناوری کشور محسوس باشد و هوش، خلاقیت، کارآفرینی و نبوغ فکری وی در راستای تولید دانش و نوآوری موجب سرعت بخشیدن به رشد و توسعه علمی و متوازن کشور گردد. زمانی که فناوری‌های نوین مشمول تحریم قرار می‌گیرند و کشورهای دشمن اجازه نمی‌دهند این فناوری‌ها به ایران برسند، اگر از نخبگان حمایت شود می‌توان این فناوری‌ها را تبدیل به فعالیت تجاری کرد. فراهم نمودن زمینه‌ها و امکانات مناسب برای نخبگان در عرصه صنعت، تجارت و کشاورزی از ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی است (اصغری، ۱۳۹۱).

نخبگان اقتصادی شامل مدیران، کارشناسان دستگاه‌های اقتصادی دولتی یا وابسته به دولت بودند. این گروه غالباً تحصیلکرده بودند و سپس در قسمت‌های مختلف سازمان‌های دولتی مانند بانک مرکزی، شرکت‌های نفتی و غیره و نیز برخی در بخش خصوصی، مدیریت صنایع، بانک‌های خصوصی و بیمه‌ها مشغول به فعالیت‌اند. و از آنجا که، در جامعه‌ی باز افراد با توجه به استعداد، توانایی و شایستگی از نردبان (موقعیت‌های برتر) اجتماعی بالا می‌روند. شانس بالای تحرک، عامل ثبات در جامعه است (ویکلهایم، ۱۹۹۲)، در حالی که وجود مانع در مسیر ارتقا و تحرک صعودی بحران سیاسی و کاهش مشروعیت نظام را به دنبال دارد (رفیع‌پور، ۱۳۷۶).

از جمله مهمترین تحقیقاتی که به موضوع تحرک اجتماعی نخبگان پرداخته، مطالعات سی رایت میلز در کتاب نخبگان قدرت (۱۹۵۶) است. وی در این کتاب به چگونگی شکل‌گیری (نخبگان) قدرت در آمریکا پرداخته و استدلال می‌کند که طی قرن بیستم یک فرایند تمرکز نهادی در نظم سه حوزه‌ی سیاسی، اقتصادی و نظامی (آمریکا) رخ داده و قدرت سیاسی از بالا هماهنگ شده است. وی معتقد است افرادی که در بالاترین موقعیت‌های سیاسی قرار دارند، زمینه‌ی اجتماعی همانندی دارند، از علایق و منافع مشابهی برخوردارند و غالباً به طور خصوصی یکدیگر را می‌شناسند. به طور خلاصه، تحرک در سطح مسئولان سیاسی تنها در گروه خاصی جریان دارد و برای همه‌ی شایستگان اجازه و امکان ورود وجود ندارد (میلز، ۱۳۸۹). ویلیان دام هوف در کتاب «چه کسی بر آمریکا حکومت می‌کند؟» نشان داده است که طبقه‌ی بالا، که گروه اندکی را تشکیل می‌دهند، نه تنها در سه حوزه‌ی (میلز)، بلکه در دیگر حوزه‌های مهم نیز در موقعیت‌های سطح بالا حضور دارند (دام هوف، ۲۰۰۵). پی‌یر بوردیو در کتاب تمایز (۱۹۸۹) شاخه‌های طبقاتی را با استفاده از متغیر شغل تعیین کرده است (ممتاز، ۱۳۸۳) و در کتاب اشرافیت دولتی (۱۹۹۸) به چگونگی بازتولید انواع سرمایه‌ی (فرهنگی،

اجتماعی، اقتصادی، و نمادی) در حفظ موقعیت‌های برتر در میان مسئولان سیاسی پرداخته است. در ایران، ماروین زونیس در مورد مسئولان سیاسی دوره‌ی دوم پهلوی در کتاب مسئولان سیاسی ایران به پژوهش پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان داد که در میان مسئولان سیاسی نوعی روابط بین فردی وجود دارد که جوهره‌ی سیاست ایران را تشکیل داده است (زونیس، ۱۳۹۷). همچنین، در ایران پژوهش ندیمی (۱۳۹۰) به بررسی تحرک شغلی مسئولان سیاسی ایران (ارائه یک مقیاس) پرداخته و نشان داده است که ارزش موقعیت‌های بالای سیاسی در مقطع سال ۱۳۶۸ (اصلاح قانون اساسی) تغییرات اساسی داشته است. فورمن پیک (۲۰۰۴) در پژوهشی با عنوان تجارت و تحرک اجتماعی نخبگان بریتانیا در سال‌های ۱۸۷۰ تا ۱۹۱۴ نشان داد که که تجارت، تحرک اجتماعی عمومی در نخبگان انگلیس را در زمان اوج اقتصاد ویکتوریا-لایزر تحریک می‌کند. در واقع، در دسترس بودن سرمایه یک کلید مهم بود، نه تنها برای ورود نخبگان از طریق تجارت، بلکه همچنین برای آموزش رسمی که دسترسی به حرفه‌ها را تعیین می‌کرد. در این واقع، این پژوهش‌ها نشان دادند، که تحرک اجتماعی در بین نخبگان دارای اهمیت فراوانی است و بر جامعه تاثیرگذار است. نخبگان اقتصادی با توجه به اینکه بر اقتصاد جامعه تاثیرگذارند نیز از اهمیت بالایی برخوردارند. و از سوی دیگر، اندازه‌گیری تحرک در جوامع کمتر توسعه یافته به دلایل زیر دشوار است: اولاً در این جوامع، تغییرات پی در پی و ثبات کوتاه مدت است، بنابراین چارچوب قانونی بلند مدت و مصون از تعرض در آن‌ها کمتر دیده می‌شود (همایون کاتوزیان، ۲۰۰۷). ثانیاً جریان‌های سیاسی کمتر مبتنی بر نهادهای رسمی بوده، گرایش‌ها و رفتار افراد پر قدرت (متنفذ) مبنای بررسی تغییرات سیاسی قرار می‌گیرد (زونیس، ۱۳۹۷).

تحرک اجتماعی از طریق باز توزیع منابع ارزشمند میان ثروتمندان و فقرا، کاهش تضاد، و کاهش احتمال کودتا، تسهیل کننده‌ی دموکراسی است. حتی در نظام‌های استبدادی تحرک اجتماعی از طریق کاهش احتمال جنبش‌های توده‌ای در مقابل مسئولان سیاسی به ثبات نظام حاکم کمک می‌کند (ندیمی، ۱۳۹۰). از این رو، این پرسش مطرح می‌شود که روند تحرک اجتماعی نخبگان اقتصادی پس از سال ۱۳۶۸ (بعد از جنگ) چگونه است و چه عواملی بر آن دخیل هستند.

مطالعه این جابه‌جایی‌ها- علت‌ها، مدل‌ها و پیامدها- موضوع مطالعه تحرک اجتماعی است. هر چند گاهی از اصطلاح تحرک، بهبود وضعیت استنباط می‌شود، این واژه برای سه جهت ممکن هر حرکتی کاربرد دارد: پایین به بالا، بالا به پایین و میان دو موقعیت هم سطح. این سه نوع تحرک را به ترتیب تحرک عمودی، نزولی و افقی می‌نامند. اندازه

تحرك عمودی در جامعه شاخص مهمی برای میزان "باز بودن" آن جامعه است، یعنی نشان می‌دهد که افراد باهوش و با استعداد که در قشرهای پایین جامعه به دنیا می‌آیند تا چه حد می‌توانند از نردبان اقتصادی - اجتماعی بالا روند. در جامعه کاملاً باز ظاهراً همه افراد برای رسیدن به موقعیتی که استحقاقش را دارند، از فرصت‌های برابر برخوردارند. تنها عوامل محدود کننده صلاحیت و ترجیحی است که شخص برای موقعیتی خاص قائل است. به علاوه صلاحیت برای شغل خاص منحصر از مقوله صلاحیت‌های اکتسابی است؛ نه ولادت، نه پایگاه پدر و نه نابرابری فرصت‌های اولیه در آموزش و پرورش استعدادهای، هیچ کدام نمی‌تواند مانعی بر سر راه رسیدن افراد به موقعیت‌های باشند که استحقاقش را دارند. برعکس، در جامعه کاملاً بسته، خشکی و انعطاف ناپذیری ساختار اجتماعی به حدی است که افراد توانایی حرکت از پایگاهی را ندارند که به هنگام تولد به آنان واگذار شده است. در چنین جامعه‌ای موقعیت‌های واگذاری به افراد تابع معیارهای خاص گرایانه است، از قبیل روابط خانوادگی، دوستی‌های شخصی یا شکل‌های دیگری از قوم و خویش بازی، به نحوی که همه فرزندان خود به خود پایگاه پدر را از طریق ارث دریافت می‌کنند. هر گونه ملاحظات مهارت و صلاحیت کارکردی یا موازین گزینشی و هر گونه ایده برابری فرصت‌ها و امکانات جابه‌جایی در فرایند واگذاری پایگاه‌های گوناگون ندارد (زارع و لطفی، ۱۳۹۲). از این رو، پژوهش در زمینه‌ی تحرك اجتماعی در میان نخبگان اقتصادی از این نظر که که آنها بر اقتصاد جامعه تاثیرگذارند و اقتصاد جامعه بر کل افراد جامعه تاثیرگذار است دارای اهمیت و ضرورت است. لازم به ذکر است که بیشتر نخبگان اقتصادی کشور (صاحبان سرمایه) عضو اتاق بازرگانی هستند. تحرك اجتماعی از طریق باز توزیع منابع ارزشمند میان ثروتمندان و فقرا، کاهش تضاد، و کاهش احتمال کودتا، تسهیل کننده‌ی دموکراسی است. حتی در نظام‌های استبدادی تحرك اجتماعی از طریق کاهش احتمال جنبش‌های توده‌ای در مقابل مسئولان سیاسی به ثبات نظام حاکم کمک می‌کند (ندیمی، ۱۳۹۰). از این رو، این پرسش مطرح می‌شود که روند تحرك اجتماعی نخبگان اقتصادی در سه دهه‌ی گذشته چگونه است و چه عواملی بر آن دخیل هستند؟

### پیشینه پژوهش

از جمله تحقیقاتی که در سال‌های اخیر در ایران در زمینه قشربندی و تحرك صورت گرفته، است عبارتند از: تحقیق کاظمی‌پور (۱۳۷۸) تحت عنوان "تحرك اجتماعی و مهاجرت در شهر تهران" نشان داد که میزان جابجایی و تحرك اجتماعی شاغلان در شهر تهران در حد یک طبقه است؛ یعنی هر فردی به طور متوسط نسبت به پدر خود یک طبقه می‌تواند جابجایی طبقاتی داشته باشد. باید توجه داشت حدود ۴۰ درصد از این افراد در جهت نزولی تحرك طبقه‌ای

و در موقعیتی پایین‌تر از موقعیت اقتصادی- اجتماعی پدر خود قرار دارند. عوامل عمده تحرک اجتماعی عبارتند از: منشاء جغرافیایی، سواد و تحصیلات، منزلت شغلی، سن ازدواج، پایگاه طبقاتی فرد و پدرش، تحرک اجتماعی در بین پاسخگویان مهاجر (۵/۶۳ درصد) کمی بیش از پاسخگویان بومی (۷/۵۹ درصد) بوده ولی میزان تحرک اجتماعی صعودی در میان بومیان بیش از مهاجران و تحرک اجتماعی نزولی نزد مهاجرین بیشتر است.

پژوهش مقدس (۱۳۷۴) درباره تحرک اجتماعی در شهر شیراز و یاسوج نشان داد که عوامل اساسی در تحرک طبقاتی، قدرت سازمانی و سرمایه برای سرمایه‌گذاری، بهره‌وری، امکان گرفتن وام، و تجمع سرمایه‌های بیشتر برای سرمایه‌گذاری‌هاست. لیکن یافته‌های ما نشان می‌دهد. علی‌رغم این که شرط داشتن سرمایه و قدرت از شرایط اصلی رسیدن به طبقات بالاست در طبقات بالا تحرکی نزولی نیز عمومیت دارد و عواملی مثل شیوه ارث بری در اسلام، زاد و ولد بالا (مخصوصاً در طبقات بالای قدیمی). عدم ثبات اقتصادی (که کسانی نفع می‌برند و ممکن است کسانی متضرر گردند)؛ همچنین، یافته‌ها می‌گویند که مهاجرت در یاسوج بیشتر از شیراز بر تحرک موثر افتاده است. با این حالت، در این دو شهر مهاجرین از شهرهای دیگر از تحرک بیشتری برخوردار شده‌اند.

سوروکین (۱۹۲۷) جوامع گوناگونی را مورد مطالعه قرار داد، از جمله روم و چین قدیم و همچنین یکی از نخستین مطالعات تفصیلی تحرک اجتماعی در ایالات متحده آمریکا را انجام داد. نتیجه‌ای که سورکین از تحقیقات خود ارائه نمود، این بود که فرصت‌های تحرک صعودی سریع در آمریکا خیلی محدودتر از آن است که افسانه‌های قومی آمریکایی نشان می‌دهند. اما تکنیک‌هایی که سورکین برای گردآوری داده‌هایش به کار برد، نسبتاً ابتدایی بودند (گیدنز، ۱۳۸۳، ص ۲۶۳).

بلاو و دانکن (۱۹۷۸) در تحقیق خود درباره ساخت مشاغل و تحرک اجتماعی در آمریکا، ابتدا مشاغل را براساس پایگاه اجتماعی اقتصادی دسته‌بندی نمودند و سپس تحرک بین این مشاغل را مورد بررسی قرار دادند.

بلاو و دانکن اطلاعاتی را درباره‌ی یک نمونه‌ی سرتاسر شامل ۲۰۰۰۰ مرد گردآوری کردند. آن‌ها نتیجه‌گیری کردند که تحرک اجتماعی عمودی در آمریکا زیاد است، اما تقریباً همه‌ی این تحرک بین موقعیت‌های شغلی کاملاً نزدیک به یکدیگر است. آن‌ها نتیجه گرفتند که تحرک دوربرد<sup>۱</sup> نادر است. اگر چه تحرک نزولی، هم در چارچوب مشاغل افراد و هم در میان نسل‌ها رخ می‌دهد. این گونه تحرک خیلی کمتر از تحرک صعودی معمول است. دلیل آن این است که

---

<sup>۱</sup> LongRangeMobility

مشاغل یقه سفید و حرفه‌ای بسیار سریع‌تر از مشاغل یقه آبی رشد کرده‌اند، تغییری که راه‌هایی در برابر فرزندان کارگران یقه آبی برای ورود به مشاغل یقه سفید گشوده است (گیدنز، ۱۳۸۳، ص ۲۶۳).

مروری بر مطالعات اخیر در حوزه تحرک اجتماعی نشان می‌دهد که نقش عوامل فرهنگی در تبیین الگوها و روندهای تحرک اجتماعی از اهمیت وافری برخوردار شده است. به طور مثال نقش میانجی گرایانه‌ی آموزش در تحرک اجتماعی بین نسلی توجه زیادی را در سال‌های اخیر به خود جلب نموده است (مارشال و همکاران ۱۹۹۷، اریکسون و جانسون ۱۹۹۸).

گلدتورپ (۲۰۰۰) به این نتیجه دست یافت که طبقات اجتماعی مختلف از طریق وادار کردن فرزندان خود برای تحصیل در رشته‌های تحصیلی خاص، خواهان حفظ جایگاه و موقعیت طبقاتی خود هستند (ورف هارست، ۲۰۰۲، ص ۴۰۸).

پین و رابرتز در تحقیقاتشان در مورد تحرک اجتماعی که هم با مقیاس تحرک مطلق و هم تحرک نسبی انجام داده‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که انگلستان بین سال‌های ۱۹۷۲ تا ۱۹۹۲ فرصت‌های تحرک بیشتری در اختیار مردان قرار داده و به سوی یک جامعه باز حرکت نموده است. این روند سپس در سال‌های میانی دهه نود کند شده و فرصت‌ها برای تحرک صعودی برای مردان کاهش یافته است (پین و رابرتز، ۲۰۰۲، ص ۸۱).

#### چهارچوب نظری

در تبیین تحرک اجتماعی رویکردهای مختلفی مطرح شده است. برخی ساختارهای اجتماعی را مسبب میزان تحرک اجتماعی در جامعه معرفی نموده‌اند و امکان یا امتناع آن را به ساختارهای اقتصادی، سیاسی نسبت داده‌اند. دیدگاه‌های مارکسیست‌های اقتصادی، مارکسیست‌های ساختارگرا و نظریه‌پردازان انتقادی در این گروه قرار می‌گیرد. برخی نیز بر ارزش‌ها و نگرش‌های فرهنگی، عادات و مهارت‌های فردی و اکتسابی تاکید نموده‌اند و علت اصلی تحرک اجتماعی نازل در بین برخی از افراد جامعه را، ضعف یا فقدان ارزش‌ها و هنجارهای توسعه‌بخش و مشوق کار، تلاش پیشرفت، سرمایه‌داری و کارآفرینی در بین آن‌ها معرفی کرده‌اند (وبر ۱۹۳۰، پارسونز ۱۹۵۸، مرتن ۱۹۵۹، مک کله‌لند ۱۹۶۱ به نقل از لرنر، ۱۳۸۳).

وبر تاکید می‌کند اخلاق پروتستانی موجب شکل‌گیری سرمایه‌داری می‌شود. یعنی ارزش‌ها و باورهایی در ابتدا لازم است وجود داشته باشد تا کار و فعالیت سرمایه‌دارانه متعاقب آن شکل گیرد. وی می‌نویسد که پروتستان‌های انگلیس،

هلند و آمریکا از گذشته دارای روحیه سختکوشی بودند و به استقبال سختی و مشقت می‌رفتند. پروستانی‌های فرانسوی تا مدت زمان طولانی انضباط و تعلیماتی را که کلیسای کالوین به آن‌ها آموخته بود، حفظ کرده و از آن‌ها پیروی می‌کردند. وی معتقد است که همین خصوصیات فرهنگی و باورهای مذهبی که کار و کسب سود را وظیفه و تکلیف معرفی می‌کند، از جمله عوامل مهم پیشرفت صنعتی و سرمایه‌داری در این کشورها بوده است (ویر، ۱۳۹۲).

اسکار لوئیس معتقد است که: یکی از ویژگی‌های فرهنگ فقر و سبک زندگی فقرا-نومیدی است. نومیدی که از دانستن این واقعیت ناشی می‌شود که کسب موفقیت در زمینه ارزش‌ها و هدف‌های جامعه بزرگ‌تر برای آن‌ها ناممکن است. «کودکانی که در محله‌های فقیر بزرگ می‌شوند حتی در حدود شش-هفت سالگی معمولاً ارزش‌ها و طرز تفکر شایع در خرده فرهنگ خویش را به خود جذب می‌کنند و از نظر روانی توانایی آن را ندارند که با دگرگون شدن وضع زندگی یا پیش آمدن فرصت‌هایی برای دگرگون کردن وضع زندگی از آن فرصت‌ها بهره گیرند» (لوئیس، ۱۳۵۳، ص ۱۲۶-۱۲۷).

تالکوت پارسونز (۱۹۵۸) نیز در تبیین علل عدم تحرک اجتماعی و توقف در جایگاه، از کسانی که خود را با اوضاع تطبیق نمی‌دهند و غیرفعال هستند سخن می‌گوید: «کسانی که بیش از هر چیز به آزادی خود علاقه‌مندند و حاضرند بهای آن را حتی اگر فقر باشد، بپردازند.»

مرتون (۱۹۵۹) خاطر نشان می‌سازد که اعضای خانواده‌های ناسازگار کسانی هستند که نه هدف‌های تعیین شده از سوی اجتماع را درک کرده‌اند (مثلاً موفقیت‌های اقتصادی و اجتماعی) و نه از طرق رسیدن به آن آگاهی دارند و یا اگر از هدف‌ها آگاه هستند اما از راه‌های رسیدن به آن اهداف یا آگاهی ندارند و یا اینکه اهمیت نمی‌دهند.

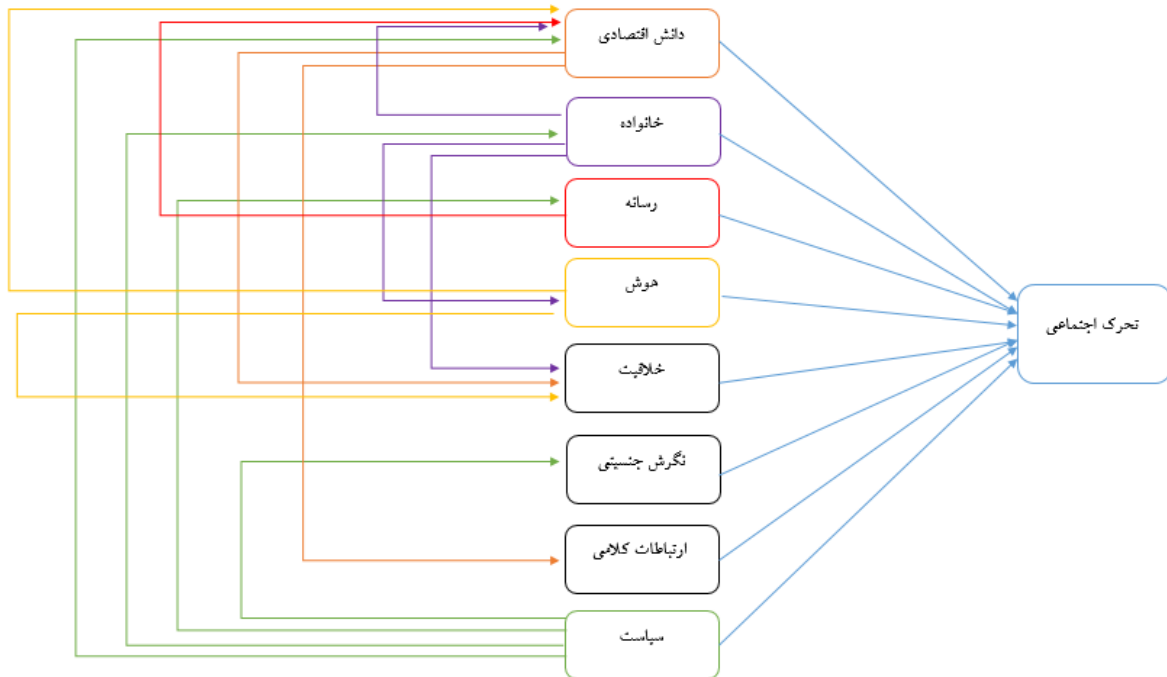
صاحب نظران مکتب نوسازی روانی نیز بر عوامل فرهنگی و روانی تاکید می‌کنند و بر این باورند که روحیات روانی و خصوصیات شخصیتی خاصی افراد را به سمت موفقیت و تحرک سوق می‌دهد در حالی که فقدان این ویژگی‌های روانی عقب ماندگی و شکست را در پی دارد. البته آن‌ها معتقدند که این خصوصیات و ویژگی‌های روانی از یک زمینه فرهنگی متأثر می‌باشد. نظریات راجرز، هیگن، مککله‌لند، دانیل لرنر و ... را می‌توان در این دسته جای داد. طرفداران این دیدگاه عناصری چون خردورزی و تعلق‌گرایی، نظم داشتن، سازمان داشتن، مشارکت، تقدیرگرا نبودن، محاسبه‌گر بودن و عناصر دیگر را به عنوان خمیرمایه‌های اولیه جریان نوسازی بر می‌شمارند (ازکیا، ۱۳۷۷، ص ۹۲).



هگن (۱۹۶۲) به عنوان یک اقتصاددان معتقد است که شخصیت فرهنگی، اصلی‌ترین عامل توسعه اقتصادی است. تحولات اقتصادی معلول تحول فرهنگ و منبعث از آن است. به نظر او تحول اساسی و زیربنایی در فرهنگ و تکنیک جامعه به خودی خود باعث می‌شود که اقتصاد از حالت رکود که ریشه‌ی فرهنگی دارد خارج شود و به رشد و توسعه برسد (معیدفر، ۱۳۸۰، ص ۱).

دانیل لرنر می‌نویسد: شخصیت متحرک با ظرفیت بالای خود برای تطبیق با وجوه جدید محیطش شناخته می‌شود، وی به سازو کارهای لازم برای ادغام تقاضای جدیدی که خارج از تجربه‌ی عادی او برایش پیش می‌آید، مجهز است. این سازو کارها برای بسط هویت فرد به دو روش عمل می‌کنند: برون‌فکنی، تطبیق را با انتساب عمده‌ی صفات مرجح خود به هدف تسهیل می‌کند، دیگران «یکی» می‌شوند زیرا آنان مانند من هستند، ناصمیمیتی یا تطبیق منفی، در معنای فرویدی وقتی حاصل می‌شود که فردی صفات بد خود را در دیگران فرافکند. درون‌فکنی از طریق انتساب صفات مطلوب و اساسی هدف به خود، هویت را بسط می‌دهد. من با دیگران یکی می‌شوم چرا که من مانند آن‌ها هستم یا می‌خواهم مانند آن‌ها باشم. وی می‌نویسد که واژه همدلی یا یکدلی را به عنوان وجه مشترک هر دوی این ساز و کارها به کار برده است (لرنر، ۱۳۸۳، ص ۸۵).

به طور کلی می‌توان گفت که صاحب نظران مکتب نوسازی روانشناختی بر آنند تا فرهنگ، ارزش‌ها و توانایی‌های روانی و فردی را به عنوان یک منبع بسیار مهم در تحرک اجتماعی محسوب نمایند. به عقیده‌ی آن‌ها کسانی که از توانایی‌های فکری، توانایی حل مسئله، دانش و مهارت، خلاقیت، نوآوری، ریسک‌پذیری، پشتکار، نظم و مهارت‌های اجتماعی برای تعامل سازنده و موثر با دیگران برخوردارند، می‌توانند از تحرک اجتماعی صعودی برخوردار شوند و سطح زندگی خود را ارتقا بخشند (مک‌کله‌لند ۱۹۵۱، لرنر ۱۹۵۸، هگن ۱۹۶۲).



### روش شناسی پژوهش

روش این پژوهش از نظر مسیر از نوع توصیفی است. "پژوهش توصیفی به پدیده‌هایی می‌پردازد که به صورت طبیعی رخ می‌دهند و در آن هیچ دستکاری آزمایشی صورت نمی‌گیرد. بنابراین، «پژوهش توصیفی شامل مجموعه فنونی می‌شود که برای مشخص کردن، نمایش با الگو، یا توصیف پدیده‌هایی که به صورت طبیعی و بدون دستکاری آزمایشی رخ می‌دهند، به کار می‌روند» (میرزایی، ۱۳۸۸، ص ۷۴). پژوهش توصیفی ... بر ساختن فرضیه و آزمایش آن، تحلیل روابط بین متغیرهای دستکاری شده و پروراندن قوانین کلی توجه دارد" (میرزایی، ۱۳۸۸، ص ۷۴).

جامعه آماری این پژوهش نخبه‌گان اقتصادی شهر تهران (در حدود ۱۰۰ هزار نفر) هستند که بر اساس جدول مورگان حجم نمونه ۳۸۴ نفر بر اساس نمونه گیری تصادفی نظام‌مند انتخاب شد بدین صورت که از هر ۲۶۰ نفر یک نفر انتخاب و به پرسشنامه پاسخ دادند.

جهت جمع آوری داده‌ها از پرسشنامه پژوهشگر ساخته برای آزمون ارتباط مفهوم‌ها با هم و نیز صحت داده‌ها استفاده شده است. پرسشنامه پژوهشگر ساخته دارای ۳۶ گویه است و اعتبار آن از طریق اعتبار محتوا (CVR) و اعتبار سازه

(KMO) و پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ سنجیده شده است. نتایج اعتبار و پایایی ابزار در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول شماره ۱: پرسشنامه

مفهوم	گویه	CVR	KMO	آلفای کرونباخ
تحرك اجتماعى	۱-۹	۰,۸۴۴	۰,۵۲۲	۰,۸۸۲
دانش اقتصادى	۱۲-۱۰	۰,۸۰۰	۰,۴۴۶	۰,۷۹۲
خانواده	۱۶-۱۳	۰,۸۰۰	۰,۶۸۸	۰,۸۹۲
رسانه	۱۸-۱۷	۰,۹۰۰	۰,۵۰۰	۰,۷۶۶
هوش اجتماعى	۲۳-۱۹	۰,۹۶۰	۰,۶۰۲	۰,۸۶۲
خلاقیت	۲۶-۲۴	۰,۸۰۰	۰,۶۱۳	۰,۸۹۰
نگرش جنسیتی	۳۰-۲۷	۰,۸۵۰	۰,۴۷۶	۰,۷۶۹
ارتباطات کلامی	۳۳-۳۱	۰,۸۰۰	۰,۵۵۰	۰,۷۷۸
سیاست	۳۶-۳۴	۰,۸۶۶	۰,۶۴۳	۰,۸۴۱

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و تعیین میزان و نوع تحرك اجتماعى نخبگان اقتصادى از تحلیل واریانس یک سویه و میزان اثرگذاری و جهت تحلیل مدل مفهومی پژوهش (تحلیل مسیر) از آزمون رگرسیون خطی به روش همزمان استفاده گردید.

### یافته‌های پژوهش

یافته‌های این پژوهش در دو بخش ارائه می‌شود. در بخش اول به بررسی روند تحرك اجتماعى نخبه‌گان اقتصادى در سه دهه‌ی گذشته و نوع تحرك و تفاوت هر نوع تحرك در یک از دهه‌های گذشته پرداخته شده است. در بخش دوم براساس مدل مفهومی پژوهش به بررسی میزان تاثیرگذاری و اولویت تاثیرگذاری عوامل موثر بر تحرك اجتماعى نخبه‌گان اقتصادى با استفاده از تحلیل مسیر پرداخته شده است.

بخش اول: تحرک اجتماعی در سه دهه‌ی ۷۰-۸۰-۹۰ از نظر تحرک عمودی، افقی و جغرافیایی

جدول شماره ۲: میانگین توصیفی

	Mean	Std. Deviation	Std. Error	95% Confidence Interval for Mean		Minimum	Maximum	
				Lower Bound	Upper Bound			
تحرک عمودی	70	3.41	1.635	.280	2.84	3.98	1	5
	80	3.09	1.460	.220	2.65	3.53	1	5
	90	3.22	1.515	.087	3.05	3.39	1	5
	Total	3.22	1.518	.077	3.07	3.37	1	5
تحرک افقی	70	1.94	.239	.041	1.86	2.02	1	2
	80	1.86	.347	.052	1.76	1.97	1	2
	90	2.00	.000	.000	2.00	2.00	2	2
	Total	1.98	.143	.007	1.96	1.99	1	2
تحرک جغرافیایی	70	2.03	.674	.116	1.79	2.26	1	3
	80	2.09	.910	.137	1.81	2.37	1	3
	90	2.37	.836	.048	2.28	2.46	1	3
	Total	2.31	.839	.043	2.22	2.39	1	3

جدول شماره ۳: تحلیل واریانس

		Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
تحرک عمودی	Between Groups	1.983	2	.992	.429	.651
	Within Groups	880.202	381	2.310		
	Total	882.185	383			
تحرک افقی	Between Groups	.769	2	.385	20.742	.000
	Within Groups	7.064	381	.019		
	Total	7.833	383			
تحرک جغرافیایی	Between Groups	5.861	2	2.931	4.231	.015
	Within Groups	263.878	381	.693		
	Total	269.740	383			

بر اساس نتایج جدول شماره ۲ تحرک افقی و تحرک جغرافیایی در سه دهه‌ی ۷۰، ۸۰ و ۹۰ تفاوت معناداری دارند.

نتایج جدول شماره ۳، نیز نشان می‌دهد که تحرک افقی در دهه‌ی ۹۰ در مرتبه‌ی اول، در دهه‌ی ۷۰ در مرتبه‌ی دوم و در دهه‌ی ۸۰ در مرتبه‌ی آخر قرار گرفته است. بنابراین، می‌توان گفت که نخبگان اقتصادی بیشترین تحرک اجتماعی را در دهه‌ی ۹۰ داشته‌اند و کمترین تحرک را در دهه‌ی ۸۰.

همچنین، نتایج جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که تحرک جغرافیایی در دهه‌ی ۹۰ در مرتبه‌ی اول، در دهه‌ی ۸۰ در مرتبه‌ی دوم و در دهه‌ی ۷۰ در مرتبه‌ی سوم را داشته است، اما بین دهه‌ی ۷۰ و ۸۰ تفاوت چندانی مشاهده نمی‌شود.

در واقع بر اساس نتایج جدول شماره ۲ و ۴ می‌توان گفت که نخبه‌گان اقتصادی در دهه‌ی ۹۰ تمایلی به تحرک جغرافیایی نداشته‌اند زیرا ۹۷.۹ درصد از نخبه‌گان اقتصادی اعلام کرده‌اند که تمایلی به خروج از کشور ندارند. همچنین بر اساس نتایج جدول ۲ نیز مشاهده شد که افراد تمایل به تحرک افقی دارند.

### بخش دوم: تحلیل مدل مفهومی پژوهش

در این بخش بر اساس مدل مفهومی پژوهش میزان تاثیر (Beta) عوامل موثر بر تحرک اجتماعی نخبه‌گان اقتصادی از طریق تحلیل مسیر سنجیده شد. نتایج ضرایب بتا در جداول شماره‌ی ۴ تا ۱۱ آورده شده است.

جدول شماره‌ی ۴: ضرایب بتا

Model	Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	t	Sig.	
	B	Std. Error	Beta			
1	(Constant)	9.839	1.463		6.723	.000
	خانواده	.344	.033	.580	10.427	.000
	رسانه	-.231	.063	-.202	-3.643	.000
	هوش اجتماعی	-.064	.070	-.043	-.911	.363
	سیاست	-.169	.063	-.124	-2.692	.007

Dependent Variable: a. دانش اقتصادی

جدول شماره‌ی ۵: ضرایب بتا

Model	Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	t	Sig.	
	B	Std. Error	Beta			
1	(Constant)	6.097	1.479		4.123	.000
	سیاست	.456	.115	.199	3.963	.000

Dependent Variable: a. خانواده

جدول شماره‌ی ۶: ضرایب بتا

Model	Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	t	Sig.	
	B	Std. Error	Beta			
1	(Constant)	3.871	.776		4.987	.000
	سیاست	.171	.060	.143	2.826	.005

Dependent Variable: a. رسانه

جدول شماره‌ی ۷: ضرایب بتا

Model	Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	t	Sig.
	B	Std. Error	Beta		
1	(Constant)	17.785	.258	68.835	.000
	خانواده	.043	.020	.110	.032

Dependent Variable: هوش اجتماعی

جدول شماره‌ی ۸: ضرایب بتا

Model	Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	t	Sig.
	B	Std. Error	Beta		
1	(Constant)	5.547	.771	7.195	.000
	دانش اقتصادی	.045	.030	.079	.128
	خانواده	-.002	.018	-.007	.892
	هوش اجتماعی	.350	.040	.406	.000

Dependent Variable: اخلاقیت

جدول شماره‌ی ۹: ضرایب بتا

Model	Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	t	Sig.
	B	Std. Error	Beta		
1	(Constant)	12.263	.666	18.412	.000
	سیاست	.176	.052	.172	.001

Dependent Variable: نگرش جنسیتی

جدول شماره‌ی ۱۰: ضرایب بتا

Model	Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	t	Sig.
	B	Std. Error	Beta		
1	(Constant)	10.856	.223	48.583	.000
	دانش اقتصادی	.125	.023	.267	.000

Dependent Variable: ارتباط کلامی

جدول شماره ۱۱: ضرایب بتا

Model	Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	t	Sig.
	B	Std. Error	Beta		
1 (Constant)	22.966	2.240		10.254	.000
دانش اقتصادی	.288	.057	.274	5.092	.000
خانواده	.077	.042	.123	1.827	.068
رسانه	-.190	.076	-.158	-2.504	.013
هوش اجتماعی	.334	.086	.211	3.888	.000
خلاقیت	.165	.099	.090	1.659	.098
نگرش جنسیتی	-.213	.068	-.153	-3.143	.002
ارتباط کلامی	-.220	.117	-.098	-1.878	.061
سیاست	-.097	.073	-.068	-1.328	.185

Dependent Variable: a. تحرک اجتماعی

بر اساس ضرایب بتا به دست آمده از آزمون رگرسیون اثرهای مستقیم و غیر مستقیم هر یک از متغیرهای مطرح شده در مدل مفهومی پژوهش سنجیده شده است و در جداول ۱۲ تا ۲۰ آمده است و در جدول شماره ۲۱ اولویت تاثیرگذاری هر متغیر مشخص گردیده است.

جدول شماره ۱۲: محاسبه‌ی اثرهای مستقیم و غیر مستقیم دانش اقتصادی بر تحرک اجتماعی

نوع اثر	مسیر	میزان اثر بر اساس ضرایب بتا
مستقیم	تحرک اجتماعی → دانش اقتصادی	۰.۲۷۴
غیر مستقیم	تحرک اجتماعی → خلاقیت → دانش اقتصادی تحرک اجتماعی → ارتباط کلامی → دانش اقتصادی	$۰.۰۷۶ \times ۰.۰۹۰ = ۰.۰۰۶۸۴$ $-۰.۰۹۸ \times ۰.۲۶۷ = -۰.۰۲۶۱۶۶$
	کل اثرهای غیر مستقیم	-۰.۰۱۹۳۲۶
	مجموع اثرهای مستقیم و غیر مستقیم	۰.۲۵۴۶۷۴

جدول شماره ۱۳: محاسبه‌ی اثرهای مستقیم و غیر مستقیم خانواده بر تحرک اجتماعی

نوع اثر	مسیر	میزان اثر بر اساس ضرایب بتا
مستقیم	تحرک اجتماعی → خانواده	۰.۱۲۳
غیر مستقیم	تحرک اجتماعی → دانش اقتصادی → خانواده تحرک اجتماعی → هوش اجتماعی → خانواده تحرک اجتماعی → خلاقیت → خانواده تحرک اجتماعی → خلاقیت → دانش اقتصادی → خانواده	$۰.۵۸۰ \times ۰.۲۷۴ = ۰.۱۵۸۹۲$ $۰.۱۱۰ \times ۰.۲۱۱ = ۰.۰۲۳۲۱$ $-۰.۰۰۷ \times ۰.۰۹۰ = -۰.۰۰۰۶۳$ $\times ۰.۰۷۶ \times ۰.۰۹۰ = ۰.۰۰۳۹۶۷۲$
		۰.۵۸۰

عوامل موثر بر تحرک اجتماعی در میان نخبگان اقتصادی در سه دهه‌ی گذشته

$0.267 \times -0.098 = -0.01517628$ $0.580$ $-0.043 \times 0.274 = -0.01179602$ $0.110$ $0.110 \times -0.043 \times 0.090 = -0.0004257$ $0.110 \times -0.043 \times 0.076 \times 0.090 = -0.0003235$ $0.110 \times -0.043 \times 0.267 \times -0.098 = 0.00012377$	<p>تحرک اجتماعی → ارتباط کلامی → دانش اقتصادی → خانواده</p> <p>تحرک اجتماعی → دانش → هوش اجتماعی → خانواده</p> <p>تحرک اجتماعی → خلاقیت → هوش اجتماعی → خانواده</p> <p>تحرک اجتماعی → خلاقیت → دانش اقتصادی → هوش اجتماعی → خانواده</p> <p>تحرک اجتماعی → ارتباط کلامی → دانش اقتصادی → هوش اجتماعی → خانواده</p>	
0.16866062	کل اثرهای غیر مستقیم	
0.29166062	مجموع اثرهای مستقیم و غیر مستقیم	

جدول شماره‌ی ۱۴: محاسبه‌ی اثرهای مستقیم و غیر مستقیم رسانه بر تحرک اجتماعی

نوع اثر	مسیر	میزان اثر بر اساس ضریب‌های بتا
مستقیم	تحرک اجتماعی → رسانه	-0.158
غیر مستقیم	تحرک اجتماعی → دانش اقتصادی → رسانه	-0.202 × 0.274 = -0.055748
	کل اثرهای غیر مستقیم	-0.055748
	مجموع اثرهای مستقیم و غیر مستقیم	-0.16448

جدول شماره‌ی ۱۵: محاسبه‌ی اثرهای مستقیم و غیر مستقیم هوش اجتماعی بر تحرک اجتماعی

نوع اثر	مسیر	میزان اثر بر اساس ضریب‌های بتا
مستقیم	تحرک اجتماعی → هوش اجتماعی	0.211
غیر مستقیم	تحرک اجتماعی → دانش اقتصادی → هوش اجتماعی	-0.043 × 0.274 = -0.01179602
	تحرک اجتماعی → خلاقیت → هوش اجتماعی	-0.406 × 0.090 = -0.03654
	تحرک اجتماعی → خلاقیت → دانش اقتصادی → هوش اجتماعی	-0.043 × 0.076 × 0.090 = -0.0029412
	تحرک اجتماعی → ارتباط کلامی → دانش اقتصادی → هوش اجتماعی	-0.043 × 0.267 × -0.098 = 0.00112514
	کل اثرهای غیر مستقیم	-0.04749098
	مجموع اثرهای مستقیم و غیر مستقیم	0.16350902



جدول شماره ۱۶: محاسبه‌ی اثرهای مستقیم و غیر مستقیم خلاقیت بر تحرک اجتماعی

نوع اثر	مسیر	میزان اثر بر اساس ضریب‌های بتا
مستقیم	تحرک اجتماعی → خلاقیت	۰.۰۹۰
غیر مستقیم	-	-
کل اثرهای غیر مستقیم		-
مجموع اثرهای مستقیم و غیر مستقیم		۰.۰۹۰

جدول شماره ۱۷: محاسبه‌ی اثرهای مستقیم و غیر مستقیم نگرش جنسیتی بر تحرک اجتماعی

نوع اثر	مسیر	میزان اثر بر اساس ضریب‌های بتا
مستقیم	تحرک اجتماعی → نگرش جنسیتی	-۰.۱۵۳
غیر مستقیم	-	-
کل اثرهای غیر مستقیم		-
مجموع اثرهای مستقیم و غیر مستقیم		-۰.۱۵۳

جدول شماره ۱۸: محاسبه‌ی اثرهای مستقیم و غیر مستقیم ارتباط کلامی بر تحرک اجتماعی

نوع اثر	مسیر	میزان اثر بر اساس ضریب‌های بتا
مستقیم	تحرک اجتماعی → ارتباط کلامی	-۰.۰۹۸
غیر مستقیم	-	-
کل اثرهای غیر مستقیم		-
مجموع اثرهای مستقیم و غیر مستقیم		-۰.۰۹۸

جدول شماره ۱۹: محاسبه‌ی اثرهای مستقیم و غیر مستقیم سیاست بر تحرک اجتماعی

نوع اثر	مسیر	میزان اثر بر اساس ضریب‌های بتا
مستقیم	تحرک اجتماعی → سیاست	-۰.۰۶۸
غیر مستقیم	تحرک اجتماعی → دانش اقتصادی → سیاست تحرک اجتماعی → خانواده → سیاست تحرک اجتماعی → رسانه → سیاست تحرک اجتماعی → نگرش جنسیتی → سیاست تحرک اجتماعی → خلاقیت → دانش اقتصادی → سیاست	$۰.۰۷۶ \times ۰.۰۹۰ = ۰.۰۰۶۸۴$ $-۰.۰۹۸ \times ۰.۲۶۷ = -۰.۰۲۶۱۶۶$ $۰.۱۴۳ \times -۰.۱۵۸ = -۰.۰۲۲۵۹۴$ $۰.۱۷۲ \times -۰.۱۵۳ = -۰.۰۲۶۳۱۶$ $\times ۰.۰۷۶ \times ۰.۰۹۰ = -۰.۰۰۰۸۴۸۱۶$ -۰.۱۲۴

عوامل موثر بر تحرک اجتماعی در میان نخبگان اقتصادی در سه دهه‌ی گذشته

$\times 0.267 \times -0.098 = 0.00324458$ $-0.124$ $\times 0.580 \times 0.274 = 0.03162508$ $-0.199$ $\times 0.110 \times 0.211 = 0.00461879$ $-0.199$ $\times 0.580 \times -0.007 = -0.00012537$ $-0.199$ $-0.199 \times 0.580 \times 0.067 \times 0.090 = -0.00078947$ $\times 0.580 \times 0.267 \times -0.098 = -0.000302008$ $-0.199$ $-0.199 \times 0.110 \times -0.043 \times 0.274 = -0.00025791$ $-0.199 \times 0.110 \times -0.0406 \times 0.090 = -0.000888734$ $\times 0.110 \times -0.043 \times 0.076 \times 0.090 = -0.00014973$ $-0.199$ $\times 0.110 \times -0.043 \times 0.267 \times -0.098 = 0.00002463$ $-0.199$	<p>تحرک اجتماعی → ارتباط کلامی → دانش اقتصادی → سیاست</p> <p>تحرک اجتماعی → دانش → خانواده → سیاست</p> <p>تحرک اجتماعی → هوش اجتماعی → خانواده → سیاست</p> <p>تحرک اجتماعی → خلاقیت → خانواده → سیاست</p> <p>تحرک اجتماعی → خلاقیت → دانش اقتصادی → خانواده → سیاست</p> <p>تحرک اجتماعی → ارتباط کلامی → دانش اقتصادی → خانواده → سیاست</p> <p>تحرک اجتماعی → دانش اقتصادی → هوش اجتماعی → خانواده → سیاست</p> <p>تحرک اجتماعی → خلاقیت → هوش اجتماعی → خانواده → سیاست</p> <p>تحرک اجتماعی → خلاقیت → دانش اقتصادی → خانواده → سیاست</p> <p>تحرک اجتماعی → خلاقیت → دانش اقتصادی → هوش اجتماعی → خانواده → سیاست</p>
-0.00927035	کل اثرهای غیر مستقیم
-0.07727035	مجموع اثرهای مستقیم و غیر مستقیم

جدول ۲۰: مجموع اثرهای مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل بر تحرک اجتماعی

متغیر مستقل	اثرهای غیر مستقیم	اثرهای مستقیم	مجموع اثرهای مستقیم و غیر مستقیم
دانش اقتصادی	-0.019326	0.274	0.254674
خانواده	0.16866062	0.123	0.29166062
رسانه	-0.00684	-0.158	-0.16484
هوش اجتماعی	-0.04749098	0.211	0.16350902
خلاقیت	-	0.090	0.090
نگرش جنسیتی	-	-0.153	-0.153
ارتباطات کلامی	-	-0.098	-0.098
سیاست	-0.00927035	-0.068	-0.07727035

جدول شماره ۲۱: اولویت بندی متغیرهای مستقل بر اساس مجموع اثرهای مستقیم و غیرمستقیم بر تحرک اجتماعی

اولویت	مجموع اثرهای مستقیم و غیرمستقیم	متغیر مستقل
اول	۰.۲۹۱۶۶۰۶۲	خانواده
دوم	۰.۲۵۴۶۷۴	دانش اقتصادی
سوم	-۰.۱۶۴۸۴	رسانه
چهارم	۰.۱۶۳۵۰۹۰۲	هوش اجتماعی
پنجم	-۰.۱۵۳	نگرش جنسیتی
ششم	-۰.۰۹۸	ارتباطات کلامی
هفتم	۰.۰۹۰	خلاقیت
هشتم	-۰.۰۷۷۲۷۰۳۵	سیاست

بر اساس نتایج جدول شماره ۲۱، عامل خانواده با مجموع اثر مستقیم و غیر مستقیم ۰.۲۹۱ در اولویت اول، دانش اقتصادی با اثر مستقیم و غیر مستقیم ۰.۲۵۴ در اولویت دوم، رسانه با اثر مستقیم و غیر مستقیم معکوس ۰.۱۶۴- در اولویت سوم، هوش اجتماعی با اثر مستقیم و غیر مستقیم ۰.۱۶۳ در اولویت چهارم، نگرش جنسیتی با اثر مستقیم و غیر مستقیم معکوس ۰.۱۵۳- در اولویت پنجم، ارتباطات کلامی با اثر مستقیم و غیر مستقیم معکوس ۰.۰۹۸- در اولویت ششم، خلاقیت با اثر مستقیم و غیر مستقیم ۰.۰۹۰ در اولویت هفتم و سیاست با اثر مستقیم و غیر مستقیم معکوس ۰.۰۷۷- در اولویت هشتم قرار گرفته‌اند.

### بحث و نتیجه‌گیری

نتایج نشان داد که بیشترین تحرک اجتماعی در سه دهه‌ی گذشته در دهه‌ی ۹۰ شمسی رخ داده است و بیشتر تقریباً تحرکات صعودی و نزولی با هم برابر بوده‌اند، تحرک جغرافیایی در بین نخبه‌گان اقتصادی رخ نداده است و بیشتر نخبه‌گان اقتصادی تمایل به ارتقاء فعالیت اقتصادی فعلی خود دارند و تمایلی به جابه‌جایی شغلی و تغییر وضعیت اقتصادی ندارند. وبر (۱۹۳۰)، پارسونز (۱۹۵۸)، مرتن (۱۹۵۹)، مک‌کله‌لند (۱۹۶۱) بر ارزش‌ها و نگرش‌های فرهنگی، عادات و مهارت‌های فردی و اکتسابی تاکید نموده‌اند و علت اصلی تحرک اجتماعی نازل در بین برخی از افراد جامعه را، ضعف یا فقدان ارزش‌ها و هنجارهای توسعه‌بخش و مشوق کار، تلاش پیشرفت، سرمایه‌داری و کارآفرینی در بین آن‌ها معرفی

کرده‌اند (به نقل از لرنر، ۱۳۸۳). سوروکین، تحرک افقی را جابه‌جایی شخص یا یک گروه از یک موقعیت به موقعیت دیگر مانند تغییرات شغلی و تحرک عمودی را جابه‌جا شدن از یک قشر اجتماعی دیگر و ترقی یا تنزل در یک ساخت رتبه‌بندی شده‌ی اجتماعی تعریف کرده است (نیک گهر، ۱۳۸۷). تالکوت پارسونز (۱۹۵۸) نیز در تبیین علل عدم تحرک اجتماعی و توقف در جایگاه، از کسانی که خود را با اوضاع تطبیق نمی‌دهند و غیرفعال هستند سخن می‌گوید: «کسانی که بیش از هر چیز به آزادی خود علاقه‌مندند و حاضرند بهای آن را حتی اگر فقر باشد، بپردازند». و از آنجا که تحرک در میان نخبگان مخصوصاً نخبه‌گان اقتصادی که بر رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و حتی فرهنگی تاثیرگذارند از اهمیت زیادی برخوردار است و کمبود یا نبود آن جامعه را رو به افول ایده‌ها و گرایش‌ها، کاهش کارآمدی و تاخیر در رشد جامعه می‌کشد. تمایل به تحرک افقی (ارتقا موقعیت شغلی) و تحرک عمودی (سیر صعودی فعالیت اقتصادی) می‌تواند در روند رو به رشد توسعه‌ی جامعه موثر باشد. اما عواملی همچون عدم ثبات اقتصادی می‌تواند این روند تحرک را با مشکل روبه‌رو کند. از سویی این امر که در یک دهه‌ی اخیر بیش از نیمی از نخبه‌گان توانسته‌اند تحرک مثبتی داشته باشند نشان می‌دهد توانسته‌اند خود را با شرایط حاضر وفق دهند و با جریان‌های پیش آمده همسو شوند.

همچنین، در بررسی عوامل موثر بر تحرک اجتماعی نخبه‌گان اقتصادی مشخص گردید که بین دانش اقتصادی، خانواده، هوش اجتماعی و خلاقیت با تحرک اجتماعی نخبه‌گان اقتصادی رابطه‌ی معنی‌دار مثبتی در سطح خطای ۰.۰۵ وجود دارد و نتایج رگرسیونی نیز نشان داد که مولفه‌های دانش اقتصادی و هوش اجتماعی بر تحرک اجتماعی تاثیر مستقیم دارند. همچنین، نتایج تحلیل مسیر حاکی از آن بود که در تحرک اجتماعی نخبه‌گان اقتصادی خانواده نقش اول را بازی می‌کند و بعد از آن دانش اقتصادی، هوش و خلاقیت دارند. در واقع بنابر نتایج به دست آمده در این پژوهش و نظرات معصومی راد و نایی (۱۳۹۲) مبنی بر این است که "یکی از عوامل موثر بر تحرک اجتماعی، آموزش و تحصیلات است" و عقیده‌ی مک‌کله‌لند (۱۹۵۱)، لرنر (۱۹۵۸) و هگن (۱۹۶۲) که مطرح کرده‌اند که "کسانی که از توانایی‌های فکری، توانایی حل مسئله، دانش و مهارت، خلاقیت، نوآوری، ریسک‌پذیری، پشتکار، نظم و مهارت‌های اجتماعی برای تعامل سازنده و موثر با دیگران برخوردارند، می‌توانند از تحرک اجتماعی صعودی برخوردار شوند و سطح زندگی خود را ارتقا بخشند" می‌توان گفت که عواملی همچون دانش اقتصادی، خانواده، هوش اجتماعی و خلاقیت می‌توانند نقش بسزایی در تحرک اجتماعی نخبه‌گان اقتصادی داشته باشد و از سویی دیگر پژوهش‌های همچون پژوهش کاظمی‌پور (۱۳۷۸) که نشان داد میزان جابجایی و تحرک اجتماعی در حد یک طبقه است؛ یعنی هر فردی به طور متوسط نسبت

به پدر خود یک طبقه می‌تواند جابجایی طبقاتی داشته باشد و عوامل عمده تحرک اجتماعی عبارتند از: منشاء جغرافیایی، سواد و تحصیلات، منزلت شغلی، سن ازدواج، پایگاه طبقاتی فرد و پدرش. پژوهش مقدس (۱۳۷۴) که نشان داد علی‌رغم این که شرط داشتن سرمایه و قدرت از شرایط اصلی رسیدن به طبقات بالاست در طبقات بالا تحرکی نزولی نیز عمومیت دارد و عواملی مثل شیوه ارث بری در اسلام، زاد و ولد بالا و عدم ثبات اقتصادی در تحرک نقش دارند، پژوهش بلاو و دانکن (۱۹۷۸ به نقل از گیرنز، ۱۳۸۳) که نشان داد تحرک اجتماعی عمودی در آمریکا زیاد است، اما تقریباً همهی این تحرک بین موقعیت‌های شغلی کاملاً نزدیک به یکدیگر است. آن‌ها نتیجه گرفتند که تحرک دور برد نادر است. اگر چه تحرک نزولی، هم در چارچوب مشاغل افراد و هم در میان نسل‌ها رخ می‌دهد. این گونه تحرک خیلی کمتر از تحرک صعودی معمول است. دلیل آن این است که مشاغل یقه سفید و حرفه‌ای بسیار سریع‌تر از مشاغل یقه آبی رشد کرده‌اند، تغییری که راه‌هایی در برابر فرزندان کارگران یقه آبی برای ورود به مشاغل یقه سفید گشوده است، پژوهش مارشال و همکاران (۱۹۹۷) و اریکسون و جانسون (۱۹۹۸) با مروری بر مطالعات اخیر در حوزه تحرک اجتماعی نشان دادند که آموزش در تحرک اجتماعی بین نسلی توجه زیادی را در سال‌های اخیر به خود جلب نموده است و نیز پژوهش گلدتورپ (۲۰۰۰ به نقل از ورف هارست، ۲۰۰۲) که به این نتیجه دست یافت که طبقات اجتماعی مختلف از طریق وادار کردن فرزندان خود برای تحصیل در رشته‌های تحصیلی خاص، خواهان حفظ جایگاه و موقعیت طبقاتی خود هستند. می‌توان گفت که دانش و تحصیلات، خانواده و حمایت خانواده تاثیر و نقش بسزایی در فرایند تحرک اجتماعی در بین نخبه‌گان اقتصادی داشته است.

از سویی دیگر، مشخص گردید که بین رسانه، نگرش جنسیتی و سیاست با تحرک اجتماعی رابطه‌ی معنی‌دار معکوسی در سطح خطای ۰.۰۵ وجود دارد. نتایج رگرسیونی نیز نشان داد که مولفه‌های رسانه و نگرش جنسیتی بر تحرک اجتماعی تاثیر معکوس دارند. همچنین، نتایج تحلیل مسیر نیز نشان داد که رسانه در تاثیر منفی بر تحرک اجتماعی نقش اول را دارد و بعد از آن نگرش جنسیتی، ارتباط کلامی و سیاست قرار دارند. این امر نشان می‌دهد که تبلیغات سو در رسانه‌های داخلی و خارجی و حتی شبکه‌های اجتماعی مجازی، نگرش‌های منفی جنسیتی (مخصوصاً تبعیض جنسیتی در توسعه‌ی اقتصادی) و سیاست‌گذاری‌های نادرست بر روند تحرک اجتماعی تاثیر منفی گذاشته‌اند و باعث کاهش روند تحرک در بین نخبه‌گان اقتصادی بوده‌اند. بنابر نظر میرزایی (۱۳۹۴: ۴۳۴) "در جاهایی که افراد برای رسیدن به پایگاه‌های جدید از فرصت برابری برخوردارند امکان تحرک بسیار بالا و در جاهایی که فرصت‌ها نابرابر باشد و

فرآیندهای انتصاب پایگاهی وجود داشته باشد امکان تحرک بسیار پایین است." این بدین معناست که برابری و داشتن امکانات مساوی در بین تمامی افراد جامعه - مخصوصاً نخبه‌گان اقتصادی - می‌تواند در رشد و توسعه‌ی جامعه و تحرک مثبت تاثیرگذار باشد. و بنابر نتیجه‌ی این پژوهش مشخص گردید که روند تحرک اجتماعی در بین نخبه‌گان دست‌آویز تبلیغات منفی رسانه‌ها، نگرش‌های منفی جنسیتی و سیاست‌گذاری‌های غلط شده است.

تحرک اجتماعی نخبه‌گان (چه تحرک افقی، چه تحرک عمودی و چه تحرک جغرافیایی) وابسته به عواملی همچون دانش اقتصادی و تحصیلات، موقعیت خانواده و حمایت آنان، هوش اجتماعی بالا، داشتن خلاقیت و نوآوری در فعالیت اقتصادی، تبلیغات صریح و مناسب در رسانه‌ها، نگرش‌های درست جنسیتی و عدم تبعیض جنسیتی و سیاست‌گذاری‌های درست است. در نهایت تاثیر سیاست بر تحرک اجتماعی منفی است و حتی در رتبه بندی عوامل تاثیرگذار در جایگاه آخر قرار گرفته است. همچنین، مشخص گردید که نخبه‌گان اقتصادی شرکت کننده در طرح پژوهشی تمایلی به تحرک جغرافیایی و ترک خاک ایران را ندارند و بیشتر تمایل به ارتقاء بخشی فعالیت اقتصادی یعنی تحرک افقی دارند. سیر صعودی و نزولی در تحرک عمودی نیز برابر است که به شرایط اقتصادی جامعه بر می‌گردد. همچنین، مشخص گردید که بیشتر تحرکات اجتماعی چه از نظر تحرک عمودی، تحرک افقی و جغرافیایی در دهه‌ی ۹۰ رخ داده است.

## منابع

- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۷). فرهنگ توسعه در ادبیات کرد، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۲، ص ۲۵-۴۱.
- اصغری، م. (۱۳۹۱). جهاد اقتصادی: تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- انصاری، الف. (۱۳۸۰). نقش نخبگان در توسعه. نقش مدیریت در توسعه.
- رفیع پور، ف. (۱۳۷۶). توسعه و تضاد- کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- زارع، ب.، لطفی، م. (۱۳۹۲). بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تحرک اجتماعی در شهر کرمانشاه، مسائل اجتماعی ایران، سال چهارم، شماره ۱.
- زونیس، م. (۱۳۸۷). روانشناسی نخبگان سیاسی ایران، ترجمه‌ی پرویز صالحی و سلیمان امین زاده و زهرا لبادی، تهران: چاپخش.
- کاظمی پور، شهلا (۱۳۷۸). الگوی در تعیین پایگاه اجتماعی - اقتصادی افراد و سنجش تحرک اجتماعی با تکیه بر مطالعه موردی در شهر تهران، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۴، ص ۱۷۲-۱۳۹.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳). جامعه شناسی، تهران: نشر نی.
- لرنر، د. (۱۳۸۳). گذر جامعه سنتی (نوسازی در خاورمیانه)، ترجمه غلامرضا خواجه سروی، پژوهشگاه مطالعات راهبردی.

لوئیس، اسکار (۱۳۵۳). فرهنگ فقر، ترجمه سید مهدی ثریا، مطالعات جامعه شناختی، دوره قدیم، شماره ۴، ص ۱۲۴-۱۴۰.

معیدفر، س. (۱۳۸۰). فرهنگ کار، موسسه کار و تامین اجتماعی، مجموعه متون آموزشی، شماره ۹. مقدس، علی اصغر (۱۳۷۴). بررسی تحرک طبقاتی و منزلت شغلی در شهر شیراز و یاسوج، پایان نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.

ممتاز، ف. (۱۳۸۳). معرفی مفهوم طبقه از دیدگاه بوردیو. پژوهش نامه‌ی علوم انسانی، شماره ۳۲: ۱۶۰-۱۴۹.

میرزایی، خ. (۱۳۸۸). پژوهش، پژوهشگری و پژوهش نامه نویسی. تهران: جامعه شناسان.

میلز، س. ر. (۱۳۸۰). نخبگان قدرت. تهران: فرهنگ مکتوب.

ندیمی، ح. (۱۳۹۰). تحرک شغلی مسئولان سیاسی ایران (ارائه یک مقیاس). مسائل اجتماعی ایران، سال دوم، شماره ۲، ص ۱۸۵-۲۱۵.

نیک گهر، ع. ح. (۱۳۸۷). مبانی جامعه شناسی. تهران: نشر رایزن.

وبر، م. (۱۳۹۲). اخلاق پروتستان و روحیه سرمایه داری، ترجمه عبدالمعبود انصاری، تهران: سمت.

Blau, P. M., Duncan, O. D. (1978). American Occupational Structure. New York: The free press.

Domhoff, G. W. (2005). Who Rules America? (Fifth ed.). New York: McGraw-Hill.

Erikson, R. and Jonsson, J. O. (1998). Social origin as interestbearing asset: Family background and labour market rewards among employees in Sweden. Acta Sociologica, Vol 41, pp 19-36.

Hagen, E., E. (1962). On the Theory of Social Change, Homewood, III, The Dorsey Press, Inc.

Lerner, D. (1958). The Passing of Traditional Society: Modernizing the Middle East, London, Collier Macmillan limited .

Marshall, G., Swift, A. and Roberts, S. (1997) Against the Odds, Oxford: Clarendon Press.

Mcclelland, D. (1961). The Achieving Society, New York: Free Press .

Merton, R. K. (1959). "Social Conformity, Deviation, and Opportunity-Structures: A Comment on the Contributions of Dubin and Cloward ", American Sociological Review 24: 177-189 .

Parsons, T. (1958). Social Structure and Personality, New York: Th Free Press .

Payne, G. Roberts, J. (2002) Opening and Closing the Gates: Recent Developments in Male Social Mobility in Britain. Sociological Research Online, vol. 6, no. 4,

Sorokin, P., A. (1927). Social Mobility. Harper & Brothers.

Sorokin, P.A. (1964). Social and Cultural Mobility, New York: Freepress.

Weakliem, D. L. (1992). Does Social Mobility Affect Political Behaviour? European Sociological Review, 8 (No) 2 153-165.

Werfhorst, H. G. Van de, (2002). A Detailed Examination of the Role of Education in Intergenerational Social-class Mobility, Social Science Information: 41; 407 .

## **Effective Factors on Social Mobility among Economic Elites in the Past Three Decades**

### **Abstract**

The current research was done with the goal of determining the social mobility procedure among economic elites in the past three decades. The method of this study was a type of descriptive research. The statistical populations of this study were the economic elites in Tehran (about one hundred thousand people) and according to Morgan table, the sample size was 384 people, which was chosen by systematic random selection. In this method, from every 260 people, one person was selected and answered the questioner. To collect the data, the researcher-made questioner was used, the validity of which is determined by content validity, structural validity, and reliability of instruments through Alpha Cronbach formula. In order to analyze the data, one-way ANOVA test, and path analysis method was used. The findings indicate that social mobility was different in the three 70-80-90 decades, regarding vertical, horizontal, and geographic mobility. It was determined that horizontal mobility and geographic mobility in the three 70-80-90 decades had a significant difference. Furthermore, the results showed that economic elites had the most social mobility in the 90 decade, and the least mobility in the 80 decade. Also economic elites in the 90 decade didn't have the tendency to geographic mobility, because 97,9 percent of the economic elites announced that they didn't have a tendency to leave the country. Furthermore, it was clear that based on the results, people did not have the tendency toward sufficient mobility. It was also clear in path analysis that the family factor was in the first priority by the sum of direct and indirect effects of 0,291, in the second priority economic knowledge by direct and indirect effects of 0,254, in the third priority media by direct and indirect effects of -0,164 with transition, in the fourth priority, social intelligence by the direct and indirect effects of 0,163 with reverse transition, in the fifth priority, sexual attitude by direct and indirect effects of -0,153 with reverse transition, in the sixth priority, vocal communication by direct and indirect effects of -0,098, in the seventh priority, creativity by direct and indirect effects of -0,90 with transition, and in the eighth priority politics by direct and indirect effects of -0,077 with reverse transition were located.

### **Keywords:**

**Social Mobility, Economic Elites, The Past Three Decades**